

گذرا از مرز سایه خویشتن

عاشقانه‌ای در دنیای کتاب‌بازها

مصطفی جواهری

آموزگار



قصه ناتمام صدیقه

کلماتی که با شک و وضو گرفته‌اند

طاہره راہی

روزنامه‌نگار



نمی‌دانم چند ساله بودم که برای اولین بار کتابی درباره بزرگ بانوی اسلام، حضرت زهرا (س) به دست گرفته و خواندم، چیزی که بعد از گذشت این سال‌ها هنوز در ذهنم بال و پر دارد و مرا به کویچه‌های مدینه و حجاز می‌کشاند، کتابی به زبان عربی درباره اهل بیت که به زبان فارسی نیز ترجمه شده بود، کتابی با عنوان «و کانت صدیقه» به قلم «کمال السید ادیب» نویسنده توانای عرب که به اسم «بهشت ارغوان» توسط سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) نویسنده، مترجم و شاعر، ترجمه و در سال ۱۳۷۵ توسط انتشارات پارسایان برای اولین بار در ایران چاپ و منتشر شده است.

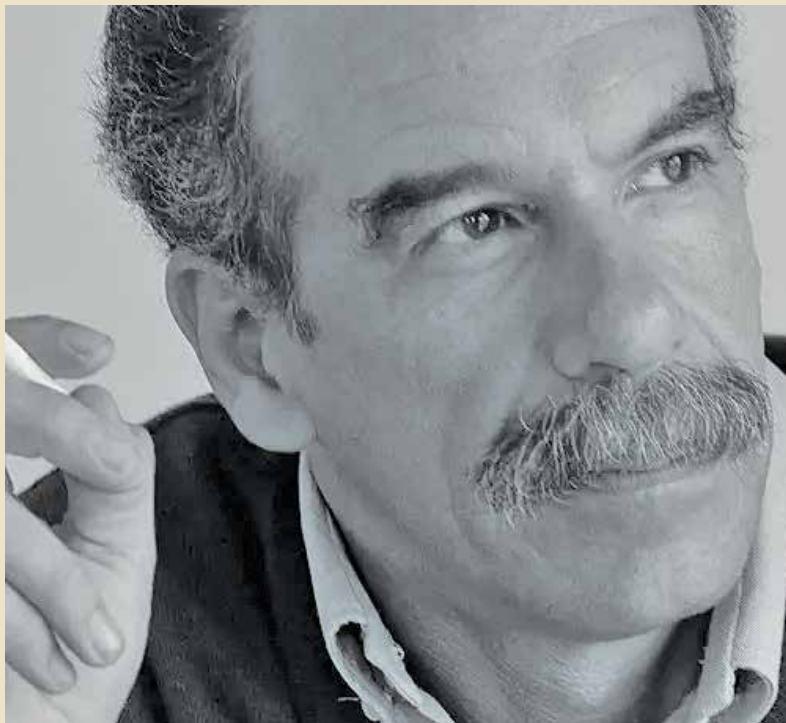
مترجم در سخن خویش که در طلوع کتاب آمده، بیان می‌دارد که «هدف نویسنده در این کتاب نه تاریخ پردازی است، نه داستان‌سازی و نه تکاپوی ادبی در هزارتوی واژه‌ها... هر چه هست، تصویر دردی است ناتمام که برای همیشه در سینه تاریخ باقی است؛ تصویر حماسه‌ای که بانوی بهشتی آفرید...» کتابی که واژه واژه بر پایه مکتوب‌ها و گفتارهای ثبت شده تاریخ نوشته، چنان که نویسنده نیز می‌گوید: این اثر واگویی‌ای سراسر حقیقی از رویدادهای تاریخی است که از مآخذی چون السیره النبویه ابن هشام، السیره النبویه ابن کثیر، المختصر فی احوال البشر ابن وردی، بحار الانوار علامه مجلسی و بیت الاحزان شیخ عباس قمی برگرفته شده است، کتابی که در ۴۰ فصل تنظیم شده و در پاورقی به برخی از منابع و عبارات عربی و... اشاره شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «همان‌سان که شمع‌ها در دل تاریکی می‌سوزند و قطره قطره آب می‌شوند و اشک‌های سوزان خویش را جاری می‌سازند، فاطمه می‌سوخ و ذره ذره رو به خاموشی می‌رفت. اکنون، فاطمه با سکوت فریاد می‌کرد. او همانند «مریم» روزه سکوت را برگزید. علی دریافته بود که هنگامه رحلت نزدیک است و خانه‌ای که با شاخه‌های نخل در «بقیع» برافراشته بود، اینک پناهگاه فاطمه است؛ خانه‌اندوه و رنج. آن خانه به چشم خویش می‌دید شمع در حال افسردن است، ستاره در حال کوچیدن و آفتاب در حال افول...»

مخاطب در این کتاب، نه آنچنان از حقایق تاریخی دور می‌ماند نه دور از داستان و خیال است، بلکه از خیال‌انگیزی تا حدی اندک و آن هم در حاشیه اثر بهره برده است. «بهشت ارغوان» رمان گونه‌ای است که می‌کوشد تا در عرصه‌ای نوین، جنبه‌های انسانی شخصیت آن بهشتی بانوی زمینی را بازبشناساند؛ بهشتی ارغوانی که مجموعه‌ای دل‌انگیز از خاطره‌های شکوهمند و جاودانه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را جلوه‌گر می‌سازد؛ جلوه‌هایی ژرف، تأثیرگذار و پرشور!



کتاب برای آدم کتاب‌باز، در حکم وسیله‌ای برای رشد و نجات و رستگاری است. اما همین کتاب‌ها، برای کارلوس در دسر درست می‌کنند و شخصیت مرموز داستان را به جایی می‌رسانند که برای رهایی از نگرانی‌ها و آسیب‌های روحی، دست به تصمیمی بی‌بازگشت می‌زند. والبتنه که باز هم پای عشق در میان است

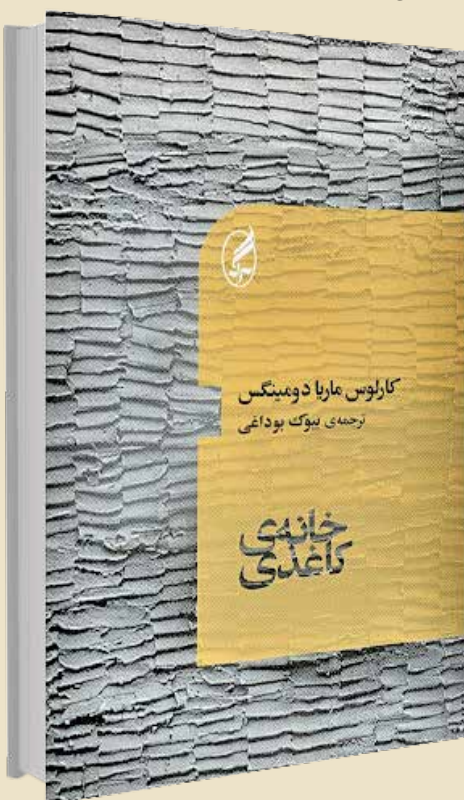


برای رشد و نجات و رستگاری است. اما همین کتاب‌ها، برای کارلوس در دسر درست می‌کنند و شخصیت مرموز داستان را به جایی می‌رسانند که برای رهایی از نگرانی‌ها و آسیب‌های روحی، دست به تصمیمی بی‌بازگشت می‌زند. والبتنه که باز هم پای عشق در میان است. خاطر هست کتاب را که تمام کردم، آن نیم‌بیت سایه آمد پشت زبانم که: «آه از آن رفتگان بی‌برگشت...»

این کتاب حتماً برای من و شمایی که شیدای کتاب‌ها هستیم پیشنهاد خوبی است. خواندن از آدم‌هایی که شب و روزشان را لایبای کتاب‌ها می‌گذرانند شیرین است. آدم‌هایی که کتاب، نقش مهمی در زندگی‌شان، در عاشق شدنشان، در تعاملاتشان و حتی در مرگشان دارد.

مهم‌ترین دلیل برای برداشتن این کتاب از قفسه کتابفروشی اردیبهشت سعادت‌آباد، نام آقای مترجم یعنی بیوک بوداگی روی جلد آن بود. انتخاب‌هایی که بوداگی برای ترجمه از ادبیات لاتین داشته است، همیشه مرا راضی کرده بود. داستان بلند «خانه کاغذی» نوشته «کارلوس ماریا دومینگس» و منتشر شده توسط نشر آگه است. در اولین مواجهه با داستان زندگی زنی به نام «بلوما لئون» آغاز می‌شود، که استاد رشته ادبیات انگلیسی است. و روزی هنگام عبور از عرض خیابان، در حالی که مشغول خواندن شعری از «امیلی دیکنسون» بوده، با ماشینی تصادف می‌کند و می‌میرد. اما در واقع داستان از اینجا به آهستگی وارد زندگی دیگران می‌شود؛ استاد دیگری که جایگزین بلوما می‌شود. در دفتر کار بلوما ساکن می‌شود و کتابی مرموز به دفترش ارسال می‌شود. کتابی که از طرف بلوما به «کارلوس پروتر» اهدا شده بوده و حالا برای بلوما بازپس فرستاده شده است. کم‌کم با داستان زندگی مردی به اسم «کارلوس پروتر» آشنا می‌شویم که به گونه‌ای جنون آمیز، عاشق و دل‌مشغول کتاب خواندن است و با شوق بی‌پایان کتاب‌ها را می‌خواند؛ همین عشق بی‌پایان به مطالعه کتاب‌ها، زندگی او را دگرگون می‌کند.

کتاب، یک داستان بلند است. و یکی از ویژگی‌های درخشان این اثر، فشرده‌گی آن است. تقریباً می‌توان به جرأت گفت که نمی‌توان هیچ جمله اضافه‌ای در کتاب پیدا کرد. داستان به طور مستقیم، در دنیای کتاب‌بازها و علاقه‌مندان به کتاب پیش می‌رود. در طول مطالعه کتاب، حتماً به کرات زیرلبی با خودتان زمزمه می‌کنید که: «راست می‌گی! دقیقاً همین‌طور...». در جایی از کتاب می‌خوانیم که: «معمولاً وقتی صاحب کتابی می‌شویم، دل‌کنند از آن برایمان سخت می‌شود. به عهدی می‌ماند که میان نیاز و فراموشی بسته شده باشد. کتاب‌ها پاره‌ای از وجود ما می‌شوند، مثل شاهدان لحظات بی‌بازگشت زندگی ما.» البته یک گره اصلی و اساسی در داستان به وجود می‌آید. کتاب برای آدم کتاب‌باز، در حکم وسیله‌ای



کتاب «بهشت ارغوان» زندگی پررنج حضرت فاطمه (س) را با زبانی داستانی و با نثری شیوا و روان به تصویر می‌کشد و به این طریق گذری هم به دل تاریخ اسلام می‌زند، رمانی دینی بر پایه حقایق تاریخی که طراوت، نشاط و عاطفه‌انگیزی یک متن پرشور داستانی را نیز دربردارد